

## بررسی نقش سیاست‌گذاری‌های تولید و اشتغال (مطالعه موردی: صنایع نساجی)

مصطفی تجملی<sup>۱</sup> و محمدعلی عبدالله زاده<sup>۲</sup> و ابوالقاسم طاهری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

**چکیده:** صنعت نساجی و پوشاک در ایران، سالیان اخیر به دلایل گوناگون دچار نوساناتی در وضع بازار و تولید شده است؛ به گونه‌ای که حتی برخی از شرکت‌های بزرگ آن با رکود روبه‌رو و تا آستانه ورشکستگی پیش رفته‌اند. بهره‌گیری از ماشین‌آلات کهنه، کمبود نیروی انسانی متخصص، واردات بی‌رویه، کمبود نقدینگی و قاچاق کالا به همراه برخی از مشکلات مربوط به قوانین بیمه و مالیات، از عمده معضلاتی است که پیش روی صنعت نساجی ایران قرار دارد. با وجود مزیت‌های فراوان این صنعت نظیر اشتغال‌زایی بالا، نیاز به سرمایه‌گذاری کم، ارزش افزوده بالا، ایجاد رضایت در جامعه و به تبع آن افزایش امنیت داخلی و سپس امنیت خارجی و همچنین فرصت‌های بسیار این صنعت در ایران، مانند خیل افراد تحصیل کرده و آماده به کار، وجود منابع اولیه مثل پنبه و پتروشیمی، دسترسی به جمعیت زیاد منطقه جهت بازار خارجی محصولات و... در حال حاضر این صنعت از جایگاه والایی برخوردار نیست. این پژوهش به دنبال بررسی سیاست‌گذاری‌های تولید و اشتغال در صنعت نساجی با تأکید بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران است. نتایج حاکی از آن است که در واقع اتخاذ نسخه تازه‌ای از سیاست‌گذاری در صنعت نساجی می‌تواند تا حدود زیادی مشکلات تولید و اشتغال در جمهوری اسلامی ایران را مرتفع نماید.

**واژگان اصلی:** سیاست‌گذاری، نساجی، امنیت داخلی، اشتغال، تولید.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
ab1348\_mo@yahoo.com
۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

صنعت نساجی و پوشاک جایگاه ویژه‌ای در همه کشورهای دارد. این صنعت از دیرباز در ایران شکوفا بوده است. صنعت نساجی مزایای بسیاری چون اشتغال‌زایی بالا، ارزش افزوده فراوان، سرمایه‌گذاری کمتر نسبت به بیشتر صنایع، ارزآوری، تولید ثروت و در نتیجه تأثیر در رفاه عمومی جامعه دارد. فراوانی مواد اولیه و دانشگاه برای آموزش این رشته در ایران، مزیت‌های بیشتری را برای این صنعت رقم می‌زند (مطالعات آماری و راهبردی صنایع نساجی ایران، ۱۳۹۱: ۱). بسیاری از کشورهای جهان جهش اقتصادی خود را بر اساس صنعت نساجی پایه‌گذاری کرده‌اند. بیشترین فعالیت کشور ما در زمینه تولید کالاهای نهایی صنعت نساجی است و از پتانسیل‌های آن، نیروی کار است که در مقایسه با کشورهای اروپایی و برخی کشورهای همسایه ارزان‌تر است (کبیریان، ۱۳۹۳: ۶۲).

هنوز نتوانسته‌ایم سیاست‌گذاری لازم برای این صنعت در کشور را تنظیم کنیم. هرگاه هم ساختار سیاسی مقتدر و با ثبات پیدا شده، زمان کافی برای سرپرستی و هدایت فرآیند توسعه صنعت نساجی کشور نداشته است. صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع کشور است و از بحران‌های عمیقی رنج می‌برد. نفت و شرایط اقتصاد سیاسی کشور، بی‌نیازی به صنایعی مانند نساجی را در استراتژی صنعتی و اقتصادی کشور پدید آورده است. چالش بی‌پایان بیکاری و مسایل ناشی از آن، همچون بحران امنیت داخلی، مسایلی هستند که می‌توان با صنعت نساجی برای آن‌ها نسخه‌های خوبی تعریف کرد. گذشته از نفت، گاه برخی تصمیمات دولتی باعث شده تا صنعت نساجی نتواند به خوبی رشد کند. فشار دولت‌ها برای تولید کالای ارزان و در دسترس برای خانواده‌ها باعث شده تا سیاست‌گذاری درست دچار سیاست‌زدگی شود؛ به این معنا که دستور از بالا به سیاست‌گذاران و صنعتگران عرصه نساجی باعث شد تا این صنعت نتواند راه طبیعی خود را پیماید (نساجی امروز، ۱۳۹۶: ۱۱). این پژوهش به دنبال بررسی سیاست‌گذاری‌های تولید و اشتغال در صنعت نساجی با تأکید بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران است.

## پیشینه پژوهش

احمد پرخیده (۱۳۸۷)، در کتاب «صنعت و تجربه سیاست‌گذاری صنعتی در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، با توجه به روند سیاست‌گذاری صنعتی، تحلیلی تاریخی و سیاسی از

شکل‌گیری و عملکرد سیاست‌های صنعتی ارائه کرده است. مسعود نیلی، حسن درگاهی و سید فرشاد فاطمی (۱۳۹۱)، در پژوهش «بهره‌وری صنعت ایران»، به چگونگی افزایش توان رقابتی بنگاه‌های صنعتی کشور می‌پردازند. دفتر مطالعات آماری و راهبردی صنایع نساجی ایران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «مقایسه تطبیقی سیر تحول صنایع نساجی و پوشاک در ایران و ترکیه»، مواردی چون تولید ناخالص ملی، بهره‌وری نیروی انسانی در بخش‌های مختلف، روند تغییرات صادرات در ایران، سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی، ترکیب واردات کالا در سال‌های مختلف، روند تغییر صادرات ترکیه، صادرات عمده ترکیه با توجه به نوع فعالیت اقتصادی، روند تغییرات صادرات در ترکیه، تراز تجاری ترکیه، صنعت ترکیه، ارزش افزوده صنعت نساجی و چرم و پوشاک، میزان اشتغال و بسیاری از عوامل دیگر را تجزیه و تحلیل نموده و در جمع‌بندی کلی در زمینه صنعت نساجی، ترکیه را یک الگو معرفی نموده و ایران با آنکه ظرفیت‌های فراوانی دارد، نتوانسته است به جایگاه خود در این زمینه دست یابد.

نرگس نجف‌زاده (۱۳۸۸)، در پژوهش «بررسی تحلیلی عوامل تأثیرگذار بر توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی؛ مورد مطالعه: سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار»، نشان می‌دهد، برنامه‌ریزی در جهت عدم ضربه‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی کوچک، تشویق سرمایه‌گذاران به تأسیس بنگاه‌های سرمایه‌گذاری بزرگ به جهت مزایای آن، برگشت‌پذیری سرمایه بنگاه‌های کوچک و بزرگ، سرمایه‌گذاری و ثبات در سیاست‌های اقتصادی، وضع قوانین از سوی دولت به گونه‌ای ثابت و روشن، جلوگیری از دخالت عوامل بیرون از منطقه تجاری و اصلاح سیستم ارزی منطقه تجاری است که می‌توان با رعایت و اجرای آن‌ها موجبات پیشرفت و توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری را در منطقه، امکان‌پذیر نمود. مریم رشیدی (۱۳۸۷)، در پژوهشی دیگر با عنوان «ارزیابی و ارائه الگوی مناسب استراتژیک توسعه صنایع نساجی» می‌آورد، برنامه‌ریزی استراتژیک حوزه نساجی گویای آن است که در مؤسسات مختلف انتفاعی و غیرانتفاعی با توجه به نوع مأموریت و اهداف استراتژیک و شرایط موجود مؤسسه و بررسی و تحلیل نقاط قوت و ضعف هر یک از گزینه‌های استراتژیک، بهترین استراتژی، رخنه در بازار و توسعه محصول بود که از نوع استراتژی‌های متمرکز هستند.

مهدیه معتمدی (۱۳۹۱)، در «بررسی عوامل بازدارنده و پیشران در مسیر رشد و توسعه خوشه‌های صنعتی»، به بررسی رشد و توسعه خوشه‌های صنعتی، رهیافت‌های توسعه کسب و کارهای کوچک و شناخت جنبه‌های مختلف آن می‌پردازد. یافته‌های وی نشان داد، توجه

پژوهشگران و سیاست‌گذاران کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تمرکز بر این موارد است و عوامل پیشبرنده و بازدارنده در این جهت عمل می‌کنند. حامد زکی‌زاده (۱۳۹۳) نیز در پژوهش «بررسی عوامل تأثیرگذار در صنعت نساجی و تأثیر شکوفایی این صنعت در اشتغال کشور»، به تأثیر متغیر تحریم‌ها بر سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی، متغیر ریسک بر میزان سرمایه‌گذاری، متغیر صادرات بر میزان سرمایه‌گذاری، متغیر واردات بر میزان سرمایه‌گذاری و تأثیر متغیر میزان سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی بر اشتغال‌زایی پرداخته است. وی نتیجه می‌گیرد، همه متغیرهای پیش‌گفته به‌گونه‌ای جداگانه و پیوسته، نقش معناداری در شکوفایی این صنعت دارند و سیاست‌گذاری در این بستر باید با توجه به متغیرهای بالا باشد.

## مبانی نظری

### ۱) امنیت

ارائه تعریف از امنیت ساده نیست. امنیت، رهایی از نگرانی، آزاد بودن از شک و ابهام، آزاد بودن از ترس و خطر و اطمینان داشتن است (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۱۸۰). امنیت نسبی است. چنانچه سازمانی، فردی و یا جامعه‌ای از خطری رها و یا در برابر آن حفاظت شود، آن فرد، سازمان و یا جامعه از امنیت برخوردار است. این تعریف عینی از امنیت است. در تعریف ادراکی و ذهنی، رها بودن از خطر مبین امنیت نیست، بلکه اگر فرد، سازمان و یا جامعه احساس رها بودن از خطری را داشته باشد، نسبت به آن خطر از امنیت برخوردار است (چینی، ۱۳۸۲: ۱۰). نظریه‌های امنیتی مختلفی هست که برخی از آن‌ها عبارتند از:

**الف) نظریه مکتب جهان سوم:** مکتب امنیتی جهان سوم نگاه حداکثری به امنیت داخلی و مسایل آن دارد. این دیدگاه معتقد است که مفهوم امنیت در جهان سوم با توجه به ویژگی‌های خاص آن با مفهوم امنیت در جهان غرب تا حدودی متفاوت است. در جهان غرب، امنیت بیشتر در بُعد خارجی (تهدیدهای ناشی از محیط بیرونی) تعریف می‌شود؛ در حالی که امنیت در جهان سوم بیشتر داخلی است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

**ب) نظریه مکتب کپنهاگ:** مکتب کپنهاگ نگاه حداقلی به امنیت داخلی دارد و با طرح امنیت موسع در برابر امنیت مضیق، تمرکز مطالعات سنتی امنیت حول محور تهدیدهای نظامی را زیر سؤال می‌برد و ابعاد مختلف برای امنیت ملی، قائل است. باری یوزان، از متفکران صاحب این

مکتب، پنج بُعد برای امنیت ملی یک کشور قائل است: امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی. پذیرش ابعاد مختلف برای امنیت ملی، به‌ویژه ابعاد سیاسی و اجتماعی، مبنای خوبی برای ورود مکتب کپنهاگ به مسایل امنیت داخلی است، اما متفکران این دیدگاه، با تمایز میان امنیت دولت و امنیت ملی، معتقدند در حوزه مطالعات امنیت ملی، آن مسایل امنیت داخلی مطرح می‌شوند که در ارتباط با تهدیدهای بیرونی و خارجی باشند (بوزان، ۱۳۹۰: ۳۴)

**ج) نظریه تحلیل گفتمانی:** این نظریه از دو منظر قابل شناسایی است. گفتمان اول (امنیت سلبی)؛ بنیاد فلسفی، گفتمان سلبی را یک اصل محوری شکل می‌دهد، یعنی پدیده‌ها را می‌توان با نفی نقیض‌شان تعریف نموده و مورد شناسایی قرار داد. سلبی‌نگری در این منطوق دلالت بر آن دارد که می‌توان امنیت را به نبود تهدید تقلیل داد. به این معنا که اگر تهدید را به عنوان مخاطره نسبت به منافع بازیگر و عامل اصلی در بروز ناامنی بدانیم در آن هنگام؛ امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نسبت به منافع بازیگر یا تهدیدی نباشد و یا اگر باشد، امکان مدیریت مؤثر آن برای بازیگر مورد تهدید واقع شده، باشد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۵). گفتمان دوم (امنیت ایجابی)؛ در این گفتمان، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود بلکه افزون‌بر نبود تهدید وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های ملی نیز مدنظر است. این طیف از نویسندگان برای امنیت ماهیت تأسیسی قایل هستند و بر این باورند که امنیت تنها در وضعیتی هست که آن جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی‌اش دست یافته باشد. گفتمان ایجابی امنیت، دارای سه رکن اصلی است که عبارتند از:

- ۱- **خواسته‌ها؛** مجموع نیازهای تعریف شده یک بازیگر که حکایت از ارزشمندی و اولویت آن‌ها نزد وی دارد؛
- ۲- **داشته‌ها؛** مجموع پاسخ‌های ارابه شده از سوی قدرت حاکم به این خواسته‌ها را شامل می‌شود؛
- ۳- **ضریب ایدئولوژیک؛** ارزش‌هایی که توسط فرد یا جامعه به گونه پیش‌بینی پذیرفته شده و فرد، جامعه و... جهت صیانت یا تقویت آن‌ها حاضر به هزینه کردن منافع در اختیار و حتی چشم‌پوشی از برخی از خواسته‌هایش باشد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۸). در واقع گفتمان ایجابی، رضایت و اطمینان خاطر شهروندان محور اصلی امنیت است نه زور، قدرت و نفی تهدید؛ از این رو می‌توان گفت، امنیت در گفتمان ایجابی، نسبتی متعادل میان خواسته‌ها و کارویژه‌هاست. تا

هنگامی که خواسته‌ها و کارویژه‌ها در حالت تعادل‌اند، امنیت برقرار است. اما اگر میان آن‌ها شکاف پدید آید این وضعیت نشانه ناامنی است. در گفتمان ایجابی، امنیت داخلی را می‌توان وضعیتی دانست که در آن نظام سیاسی حاکم از بیشترین ظرفیت برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان برخوردار و در این وضعیت، شهروندان و نظام سیاسی بیشترین رضایتمندی و اطمینان خاطر را از یکدیگر خواهند داشت (افتخاری، ۱۳۸۲: ۹۳)

## ۲) امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری، فراهم بودن مجموعه عوامل حقوقی، اداری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که شرایط اطمینان‌بخشی را برای شروع، بهره‌برداری و ادامه دادن فعالیت سرمایه‌گذاری تا پایان دوره ایجاد می‌کند و از بروز عوامل برهم‌زننده آرامش در طی مراحل فوق، ممانعت می‌کند (نخلی، ۱۳۹۶: ۶۰). در تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری اقتصادی باید توجه داشت که واکنش واحدهای اقتصادی و یا سرمایه‌گذاران در مقابل تغییرات منظم و پایدار یک متغیر در همه ابعاد مؤثر بر سرمایه‌گذار، با هزینه کمتر و اطمینان بیشتری از سوی سرمایه‌گذار انجام می‌شود و در زمانی که این تغییرات به گونه‌ای ناپایدار و نامنظم انجام می‌شوند، شرایط نامطمئنی را برای فعال اقتصادی و سرمایه‌گذار ایجاد می‌کنند که هزینه و مخاطره فعالیت اقتصادی برای سرمایه‌گذار بالا خواهد رفت و این امر منجر به عقب‌نشینی سرمایه‌گذار در شرایط بی‌ثباتی خواهد شد. از این رو کنترل و ثبات، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در تمام ابعاد، برای سرمایه‌گذار امنیت آفرین بوده و در ایجاد سرمایه‌گذاری از اهمیت بالایی برخوردار است (هادیان و وهام، ۱۳۸۹: ۵۵).

یکی از ابعاد مهم مؤثر بر امنیت، بُعد اقتصادی و به‌ویژه نااطمینانی و خطرپذیری اقتصادی در محیطی است که فعالیت سرمایه‌گذاری می‌خواهد در آن شکل بگیرد. از دیگر عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری، نااطمینانی و خطرپذیری است؛ اما در اغلب سرمایه‌گذاری‌ها، انواع خطرپذیری وجود دارد که افزایش این خطرپذیری‌ها، امنیت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. خطرپذیری کسب‌وکار، خطرپذیری مالی، خطرپذیری نقدشوندگی، خطرپذیری نرخ ارز و خطرپذیری کشور، از انواع خطرپذیری‌ها و منشأهای عدم قطعیت اقتصادی در سرمایه‌گذاری است (جلال‌آبادی، ۱۳۸۵: ۶۰). وجود تعادل میان دو عنصر کار و سرمایه در ساختار اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ هر چند که در چند دهه گذشته تعادل مزبور به نفع نقطه بحران به هم خورده است. کاهش سرمایه به کار گرفته شده برای هر کارگر، معادله تولید، پایه بهره‌وری، سکوی رشد

اقتصادی و بهینه عدالت اجتماعی را گسسته است؛ در این میان نسبت سرمایه‌گذاری به تولید از ۳۵ درصد در سال ۱۳۵۵ با رشد منفی ۵۷ درصد به ۱۵ درصد در سال ۱۳۷۸ پایین آمده است. گسست تعادل بین کار و سرمایه، مشکلات بی‌شماری را در پی خواهد داشت که کاهش رشد اقتصادی از پیامدهای اولیه آن است (زارعشاهی، ۱۳۷۹: ۱۷).

اگرچه محاسبه دقیق در مورد میزان ناآرامی‌های سیاسی، شامل ترورها، خشونت‌های دسته‌جمعی، تظاهرات و شورش‌ها، در ایران دشوار است، اما با مشاهده وجود همبستگی بین درجه ریسک سیاسی در ایران و کاهش سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه‌ها از ایران، می‌توان حکم به زیان‌آور بودن شرایط خشونت‌آمیز در کشور کرد. در این مطالعه، فرار سرمایه تحت عنوان جریان خروجی سرمایه تعریف می‌شود که از ناآرامی‌ها و بحران‌های سیاسی-اجتماعی داخلی ناشی می‌گردد. همچنین برای نشان دادن وجود نوعی همبستگی مثبت بین دو پدیده بی‌ثباتی سیاسی و فرار سرمایه‌ها، مطالعه‌ای در مورد ۴ کشور انجام گرفته که آمار آن در جدول شماره ۱، آمده است:

جدول شماره ۱: رابطه همبستگی میان دو پدیده بی‌ثباتی سیاسی و فرار سرمایه‌ها

کشور	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	جمع	دوره	N
چین	۷/۳۷۳	۳/۵۶۰	۵	۱۹	۲۱۴	۵۴-۸۲	۲۹
هند	۱۵/۸۲۸	۸/۳۳۳	۲	۳۱	۶۹۵	۵۴-۸۲	۲۹
فیلیپین	۸۲/۸۹۷	۶۵/۳۰۳	۱۹	۲۷۷	۲۴۳۳	۵۴-۸۲	۲۹
آفریقای جنوبی	۱۶/۳۰۰	۱۳/۷۹۲	۵	۴۸	۳۲۶	۶۳-۸۲	۲۰

منبع: (زارعشاهی، ۱۳۷۹: ۱۷).

## یافته‌های پژوهش

### ۱) نقش صنعت نساجی در امنیت داخلی

جریان صنعتی شدن یا به عبارت بهتر «توسعه صنعتی»، مرحله‌ای از توسعه اقتصادی و فراگردی اجتماعی است که در چیدمانی خاص از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اجتماعی محقق می‌شود و در بستر و نیز در فرآیند آن ذهنیت و فرهنگ جامعه تغییر کرده و متحول می‌شود. توسعه صنعتی، مرحله گذار به توسعه‌ای همه‌جانبه و عامل کلیدی ارتقای بهره‌وری دیگر بخش‌های اقتصادی و سبب افزایش درآمد ملی، ایجاد اشتغال پایدار و توسعه مناسبات اجتماعی و

بالارفتن امنیت اقتصادی و داخلی است. صنعتی شدن، امری راهبردی و مقوله‌ای استراتژیک در حیات جامعه است. بر اساس نگرش فوق، توسعه صنعتی نیازمند دو ضرورت اساسی «سند راهبردی» و «مدیران مجرب» است؛ دو ضرورتی که اکنون در فضای صنعتی کشور خلاء آن احساس می‌شود. بخشی از این غیبت را می‌توان ناشی از غفلت در ضرورت این دو مهم و پروژه‌ای و نه فرآیندی دیدن صنعت دانست.

چارچوب راهبرد توسعه صنعتی به‌ویژه صنعت نساجی کشور، بر اساس تجارب جهانی و داده‌های علمی و نیز نیازها و ضرورت‌های حال حاضر و الگوهای تجربه‌شده را (جایگزین واردات، خودکفایی)، می‌توان در اقتصادی باز و رقابتی و مبتنی بر اصولی همچون دولت سیاست‌گذار، محوریت بخش خصوصی و تعامل سازنده با صادرات و جهان تصویر کرد. چارچوبی که هم در سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت و معدن و همچنین در برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب بر آن‌ها تأکید شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، هرگاه این مسیر طی شده و توسعه صنعتی محور توسعه کشور قرار گرفته، نتایج درخشانی با بالاترین و پایدارترین رشد‌ها به دست آمده است. پاره‌ای از مشکلات و چالش‌های حوزه صنعت و به‌ویژه صنعت نساجی کشور به این قرار است: در حوزه کلان باید به بی‌ثباتی در سیاست‌های اقتصاد کلان و رویکردهای اقتصادی نه‌چندان مناسب نظیر سیاست‌های ارزی، پولی، مالی و تعرفه‌ای و نیز تنش در روابط خارجی اشاره کرد. در حوزه صنعت به ضعف زیربنای صنعتی، بهره‌وری پایین، وابستگی بالا و غیرمعمول به سرمایه و تقاضای بالا برای منابع مالی در عین نیمه‌بسته بودن کانال‌های تأمین مالی و همچنین موانع قانونی و حقوقی (قوانین کار، تأمین اجتماعی و...) و ضعف فضای رقابتی و وجود بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی و... توجه داشت (حقیگو، ۱۳۹۶).

## ۲) اشتغال در صنعت نساجی و امنیت داخلی

بخش صنعت به طور بالقوه نقش مهمی در جذب نیروی کار دارد. بررسی‌های اقتصادسنجی نشان می‌دهد مقیاس تولید بزرگ‌تر، رشد ارزش افزوده بیشتر و صادرات‌گرا بودن این صنعت، سبب می‌شود تا ظرفیت اشتغال‌زایی آن افزایش یابد. در حال حاضر با توجه به رشد جمعیت در دهه‌های پیشین و جذب ناکافی نیروی کار در مشاغل و نیز ترکیب نیروی کار که بخش بزرگی از آن را فارغ التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند، اشتغال به یک چالش مهم برای دولت تبدیل شده است. برآوردها حاکی از این است که در پنج سال آینده به طور متوسط ۲/۵ درصد به افراد متقاضی کار در



جامعه ایران افزوده و اگر بی‌توجهی به این موضوع شود، بحران بیکاری هر روز عمیق‌تر خواهد شد. طبق آمار، صنایع بزرگ کشور بین ۲۰ تا ۲۵ درصد شغل ایجاد می‌کنند، اما میزان ارزش افزوده بالایی دارد. در حالی که صنایع کوچک ۶۵ درصد از اشتغال کشور را تأمین می‌کنند، اما ارزش افزوده کمتری دارند. در کشورهای اروپایی نیز سیاست‌های تقویت اشتغال برپایه صنایع متوسط و کوچک است و واحدهای کوچک را با حمایت خود ارتقا می‌دهند تا افراد بیشتری به اشتغال برسند. صنایع بزرگ با اینکه درآمدزایی بیشتری ایجاد می‌کنند، اما اشتغال‌زایی کمتری دارند و این امر در صنایع کوچک و متوسط عکس است. بنابراین دولت‌ها برحسب سیاست‌های خود به دنبال اشتغال‌زایی و ایجاد انگیزه در واحدهای کوچک یا متوسط هستند. از این رو توجه به صنایع کوچک که هزینه سرمایه‌گذاری کمتر اما پتانسیل اشتغال‌زایی بیشتری دارد، در اولویت قرار می‌گیرد.

صنایع نساجی در همه جهان در رأس صنایع اشتغال‌زاست. پایه عصر صنعتی در کشورهایی چون انگلیس، آسیای جنوب شرقی، بنگلادش و پاکستان بر صنعت نساجی نهاده شده است. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. طبق آمار، کمترین هزینه سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی است و جزو صنایع کوچک و متوسط<sup>۱</sup>، اما با اشتغال‌زایی بالا است. اشتغال‌زایی صنایع در گرو رقابت‌پذیری و صادرات‌گرایی آن است. صنایع کوچک و متوسط نساجی در کشور که بیشترین پتانسیل اشتغال‌زایی را دارد، برای اینکه بتواند به ویژگی رقابت‌پذیری و صادرات‌گرایی دست یابد، باید موارد آسیب‌پذیر آن شناسایی شده و به حداقل برسد. این امر با رعایت نکاتی چند امکان‌پذیر است: برای رسیدن به رقابت‌پذیری در صنعت نساجی باید قیمت تمام شده آن را کاهش داد؛ قیمت تمام شده تولید از عواملی چون هزینه مواد اولیه، دستمزد، نیروی کار، هزینه‌های اداری و ... تشکیل می‌شود که این موارد باید به حداقل برسد. مواد اولیه صنعت نساجی یا از پنبه تأمین می‌شود که تابع قیمت جهانی است و به دلیل شرایط کاشت آن و ضوابط وزارت کشاورزی تأمین آن محدود به چند کشور است و به راحتی انجام نمی‌شود یا با محصولاتی تأمین می‌شود که پایه آن پتروشیمی است و ما از این نظر غنی هستیم. هم‌اکنون تأمین هزینه‌های مالی تولید موضوع مهمی است؛ چراکه همچنان نرخ سود بانکی بالا است و بر این نکته تأثیر می‌گذارد و این روند کاهشی

۱. طبق تعاریف قانونی واحدهای کوچک صنعتی به صنایعی گفته می‌شود که پتانسیل اشتغال تا ۵۰ شغل و واحدهای متوسط نزدیک به ۱۰۰ شغل و ایجاد اشتغال بالای ۱۰۰ نفر تعریفی از صنایع بزرگ است.

همچنان باید ادامه یابد تا رقابت‌پذیری صنعت نساجی با کشورهای همجوار مثل ترکیه که نرخ سود آن تک رقمی است، برابری کند.

نقطه آسب‌پذیر صنعت نساجی که بر رقابت‌پذیری آن تأثیرگذار است، قاچاق‌پذیری این صنعت است. طبق آمارهای موجود، بیشترین میزان قاچاق در کشور مربوط به صنعت نساجی است. ارزش افزوده صنعت نساجی بسیار بالاست و از نظر نیروی تحصیلکرده و طراحان و نیروهای ماهر این صنعت، کشور غنی است و باید در رفع مشکلاتی مثل قاچاق و کاهش قیمت تمام شده آن به جد پیگیری کرد تا همانند گذشته این صنعت مدیریت بازار منطقه را به دست بگیرد و با کمترین هزینه سرمایه‌گذاری، بیشترین اشتغال‌زایی را در کشور به ارمغان آورد (رئیس‌زاده، ۹۵). صنعت نساجی قدیمی‌ترین و از لحاظ اشتغال بزرگترین صنعت کشور است. صنعت نساجی ایران با بهره‌گیری از قدمت طولانی، حجم سرمایه‌گذاری، نرخ بالای ارزش افزوده، پیوندهای پیشین و پسین با صنایع دیگر و اقتصاد ملی و نیروهای انسانی فراوان، دارای امکانات بالقوه بسیاری جهت پیشرفت و ارتقا کمی و کیفی خود و اقتصاد ملی است (عزیزی و باستان، ۱۳۸۰: ۶۵). شهرهایی همچون اصفهان، مازندران و یزد از دیرباز مهد نساجی بوده و اکثر صنایع اصلی نساجی کشور در این استان‌ها مستقر بوده‌اند. نگاهی به آمارهای وضعیت فعالیت‌های صنعتی و نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری در این استان‌ها حکایت از یک ثبات اقتصادی در این استان‌ها دارد که بخش مهمی از آن را صنعت نساجی برعهده دارد.

#### جدول شماره ۲: وضعیت فعالیت‌های صنعتی و نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری

##### استان‌های اصفهان، مازندران و یزد

نام استان	فعالیت‌های صنعتی (۱۳۹۶)	فعالیت‌های صنعتی (۱۳۹۷)	نرخ مشارکت اقتصادی (۱۳۹۶)	نرخ مشارکت اقتصادی (۱۳۹۷)	نرخ بیکاری (۱۳۹۶)	نرخ بیکاری (۱۳۹۷)
اصفهان	۴۴/۴	۴۰/۸	۴۳/۴	۴۱/۴	۱۴/۱	۱۳/۷
مازندران	۲۸/۷	۲۸/۲	۴۱/۴	۴۱/۴	۹/۹	۸/۵
یزد	۴۶/۰	۴۴/۰	۴۲/۰	۴۲/۳	۱۲/۷	۱۳/۹

منبع (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸)

### ۳) امنیت اقتصادی در ایران و واکنش عوامل تولید

با توجه به برداشت عوامل تولید (نیروی انسانی و سرمایه) از میزان امنیت جمهوری اسلامی ایران، می‌توان از الگوهای رفتاری این عوامل در کشورمان توجیه منطقی به دست داد. از آن جا که آمار منتشر نشده مراکز معتبر اندازه‌گیری ریسک در جهان، مهمترین علامت‌ها در جهت موافقت یا مخالفت را به عوامل تولید مخابره می‌کند، با توجه به آمار واحد اطلاعات اکونومیست، پدیده‌های سرمایه‌گذاری خارجی، فرار سرمایه و فرار مغزها در ایران مطالعه می‌گردد.

#### ۱- سرمایه‌گذاری خارجی

گزارش سال ۱۹۹۹ کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد آنکتاد در مورد وضعیت سرمایه‌گذاری در جهان، خاطرنشان می‌سازد، کشورهایی که قادر به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نباشند در معرض خطر حاشیه ای شدن در صحنه جهانی قرار خواهند داشت. این گزارش، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه را یک مسئله مهم و حیاتی می‌داند که از راه آن مهارت‌های نیروی کار داخلی افزایش می‌یابد و افزون‌بر انتقال تکنولوژی، پیوندهای ارتباط دوسویه تولید داخلی با تولید بین‌المللی برقرار می‌شود و این چشم‌انداز مؤید نظریات تازه‌ای است که همبستگی شدیدی را بین ساختار و عناصر اقتصاد سیاسی بین‌المللی با ماهیت امنیت در همان سطح ادعا می‌کنند (Buzan, 1994: 99).

به دلیل به هم خوردن ساختار امنیتی نظام داخلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به سال‌های پیش از آن، روند رو به رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره پیش از انقلاب، به روند «فرار سرمایه خارجی» و همراه با آن فرار سرمایه داخلی تبدیل شده است. به طوری که در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۹ به طور متوسط سالانه ۱۰۶ میلیون دلار سرمایه خارجی از کشور خارج کرده است. البته به دلیل بهبود وضعیت سیاسی و امنیتی کشور در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ این روند سیر نزولی به خود گرفته و به سالانه ۲۸ میلیون دلار رسیده است.

#### نتیجه‌گیری

صنعت نساجی یکی از صنایع پیشرو و بزرگ کشور محسوب می‌شود و از مزیت‌های بزرگ آن این است که نزدیک ۹۵ درصد آن در اختیار بخش خصوصی است و با سرمایه‌گذاری مشابه با دیگر صنایع بزرگ از جمله فولاد، خودرو و پشتیبانی و... قدرت ایجاد ۲۰۰ برابر اشتغال را دارد.

نساجی با وجود مزیت‌های بی‌شماری که در رشد و تحول اقتصادی دارد، طی چند سال اخیر در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات مؤثر مسئولان مغفول مانده است؛ به طوری که بسیار از واحدهای تولیدی نساجی در حال حاضر با حداقل ظرفیت خود مشغول به فعالیت هستند و مشکلات و موانعی که پیش‌روی آن‌ها قرار گرفته باعث شده تا نه تنها تولیدکنندگان این صنعت در توسعه فعالیت خود دچار تردید شوند، بلکه سرمایه‌گذاران واقعی بخش خصوصی نیز تمایلی به ورود در این حوزه نشان ندهند. گفتمان دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران با عنوان دهه پیشرفت و عدالت از سوی مقام معظم رهبری تعیین شد، شاید در ابتدا دلایل نامگذاری این دهه برای برخی از مردم و مسئولان روشن نبود، اما اکنون و در انتهای دهه، این افق و دورنگاه اندیشه‌ای زنجیره ۱۰ ساله اقتصادی کشور برای همه آشکار شده است. در ابتدای دهه، مقاصد شوم استکبار و تشدید تحریم‌ها علیه ایران اسلامی آشکارا نبود؛ اما تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری با آینده پژوهشی این مهم را دریافته و با نام‌گذاری سال‌های گذشته با مضامین اقتصادی زمینه‌های لازم در میان مسئولان برای مقابله با تحرکات استکبار را فراهم نمود.

در شرایط کنونی کشور که رفع بحران بیکاری و افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی از جمله دغدغه‌های مهم دولت است، صنعت نساجی می‌تواند با استفاده از ظرفیت عظیم خود به دلیل زنجیره عریض و طویل آن نقش صنعتی، اقتصادی و اجتماعی بسزایی در کشور داشته باشد، اما مشکلات در زنجیره تولید و توزیع این صنعت، سوءمدیریت، سیاست‌گذاری نامناسب و تصمیمات غیرکارشناسی، مانع از آن شده تا صنعت نساجی به خوبی از عهده ایفای نقش خود برآید. هرچند که با وجود تمام مشکلات همچنان زنجیره واحدهای تولیدی صنعت نساجی مشغول به فعالیت می‌باشند، اما اگر سیاست و برنامه روشن و جامعی برای حمایت و توجه ویژه از صنعت نساجی اتخاذ نشود، رکود و افول در این صنعت با سرعت بیشتری طی مسیر خواهد کرد و به گفته تولیدکنندگان این صنعت، بدون شک صنعت نساجی نیز با تأمین نشدن مواد اولیه (که اولین نیاز هر تولیدی است) و عدم ثبات در بازار، توان تولیدی خود را از دست خواهد داد.

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران به مقوله امنیت، مردم پایه است. امنیت از این منظر از دل مردم بیرون می‌آید و اساس آن در حس آرامش مردم است. این آرامش به چند روش مختلف می‌تواند ایجاد شود که رایج‌ترین و اساسی‌ترین روش آن آرامش اقتصادی و امنیت شغلی است. دولت ایران از آغاز تاکنون سعی بر توسعه اقتصاد سرزمینی داشته است. بر این اساس است که گاه برخی

از مشاغل به‌گونه‌ای غیرکارشناسی در برخی استان‌های که آمادگی محیطی و یا از نظر سرمایه‌های طبیعی شاخص‌های مورد نظر آن شغل را ندارند، پایه‌گذاری می‌شود که به دلایلی که گفته شد به زودی با شکست روبه‌رو می‌شوند. استان‌های اصفهان، مازندران و یزد از دیرباز یکی از به نام‌ترین شهرها در مشاغل صنعت نساجی بوده و این صنعت پتانسیل بسیار زیادی برای اشتغال حداکثری و امید به آینده را دارد. استان یزد با برخورداری از حدود ۴۰ درصد از سهم اشتغال از نساجی در مقام اول، سپس استان اصفهان ۲۷ درصد در رتبه دوم و مازندران با حدود ۲۵ درصد سهم اشتغال از نساجی در رتبه سوم قرار گرفته است. با توجه به مطالب بیان شده در این پژوهش باید گفت نقش صنعت نساجی در ایجاد اشتغال و بهبود فضای کسب و کار و به طبع آن امنیت بسیار موثر است.

## کتابنامه

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). تحلیل انتقادی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۵، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). تهدید نرم: رویکردی اسلامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برنامه راهبردی وزارت صنعت و معدن و تجارت، اسفند (۱۳۹۵)، ویرایش دوم.
- پرخیده، احمد (۱۳۸۷). صنعت و تجربه سیاست‌گذاری صنعتی در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جلال‌آبادی، اسدالله (۱۳۸۵). «بررسی نقش امنیت، قوانین و مقررات و توسعه بازارهای مالی بر سرمایه‌گذاری»، مجله پژوهش مجلس، سال ۱۳، شماره ۵۲.
- چینی، حبیب (۱۳۸۲). امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات در برابر امنیت اقتصادی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- حقیگو، حسین (۱۳۹۶). «توسعه صنعتی؛ گذشته، چراغ راه آینده»، اخبار صنعتی، دسترسی: <http://www.amtcli.ir/blog/97>
- رشیدی، مریم (۱۳۸۷). ارزیابی و ارائه الگوی مناسب استراتژیک توسعه صنایع نساجی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- رئیس‌زاده، محمدمهدی (۱۳۹۵). «اشتغال‌زایی در دامان صنعت نساجی، سایت فرصت امروز»، دسترسی: [www.forsatnet.ir](http://www.forsatnet.ir)
- زکی‌زاده، حامد (۱۳۹۳). بررسی عوامل تأثیرگذار در صنعت نساجی و تأثیر شکوفایی این صنعت در اشتغال کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- سیدی، علی‌اصغر (۱۳۹۸). تکنوکراسی و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران، روایت دکتر رضا نیازمند از زندگی خود به‌ویژه زندگی مدیریتی و صنعت‌گری، تهران: لوح فکر.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: ابرار معاصر.
- عزیزی، فیروزه و فاطمه باستان (۱۳۸۰). «بررسی وضعیت تولید و ارزش افزوده در صنعت نساجی در ایران و تأثیر سیاست‌های پولی و مالی دولت بر آن طی دوره ۵۸ تا ۸۷»، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، ۱ (۳)، صص ۶۵-۹۸.

کبیریان، مه‌ری (۱۳۹۳). «تحلیل تقاضای محصولات نساجی ایران در بازار جهانی»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال ۲، شماره ۵.

مطالعات آماری و راهبردی انجمن صنایع نساجی ایران (۱۳۹۱). مزیت‌های مهم صنعت نساجی و پوشاک در ایران، تهران.

معتدلی، مهدیه (۱۳۹۱). بررسی عوامل بازدارنده و پیشران در بررسی رشد و توسعه خوشه‌های صنعتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰). نظام اقتصادی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ.

نجف‌زاده، نرگس (۱۳۸۸). بررسی عوامل تأثیرگذار بر توسعه سرمایه داخلی و خارجی در منطقه آزاد صنعتی چابهار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

نخلی، سیدرضا (۱۳۹۱). تحلیل تأثیر مخارج دولت بر شاخص توسعه انسانی استان‌ها با استفاده از مدل تابلویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام‌صادق(ع).

نیلی، مسعود، حسن درگاهی و سید فرشاد فاطمی (۱۳۹۱). بهره‌وری صنعت ایران، تهران: دنیای اقتصاد.

هادیان، ابراهیم و رضا وهام (۱۳۸۹). «تورم دائمی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۴.

Buzan, Barry (1994). The Interdependence of Security and Economic Issues in the New WorldOrder in: Richard Stubbs and Geoffrey R., Political Economy and the Changing Global Order, Great Britain: Macmillan Press LTD.